

مجموعه مباحث اخلاقی

پی در پی است نعمت‌ها این است دلیل غفلت‌ها

استاد معظم

حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»

۱۶ آبان ماه ۱۳۸۶

۲۶ شوال ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله
على أعدائهم أجمعين .

«إلهي أذهلني عن إقامة شكري تتابع طولك وأعجزني عن إحصاء
ثنائك فيض فضلك وشغلني عن ذكر محامدك ترادف عوائدك
وأعياني عن نشر عوارفك توالي أياديك وهذا مقام من اعترف
بسيوغ التعماء وقابلها بالتقصير ، وشهد على نفسه بالإهمال والتضييع
وأنت الرؤوف الرحيم البرّ الكريم ، الذي لا يخيب قاصديه ولا يطرده
عن فنائه آملية بساحتك تحطّ رجال الرّاجين وبعرصتك تقف آمال
المستردفين فلا تقابل آمالنا بالتخيب والإياس ولا تلبسنا سربال
القنوط والإبلاس»^(١).

بارالها! پی در پی بودن بخشش مرا از شکرگزاری غافل کرده ، و بارش مدام
فضل تو مرا از شمردن ستایش غافل کرده ، و پشت سر هم بودن برکات مرا
از یادآوری ستودنیهایت باز داشته ، و دستگیریهای متوالی تو مرا از بخش و
نشر نیکوئیهایت ناتوان کرده است . و این جایگاه کسی است که اقرار می کند
به وفور نعمتهایت و کوتاهی کرده است در برابر نعمتهایت و گواهی می دهد

۱- مناجات خمسة عشر- مناجات الشاکرین .

بر خودش به سستی کردن و ضایع نمودن و تویی مهربانِ بخشنده نیکوکارِ احسان بخش، آنکه محروم نکند اراده کننده اش را، و رانده نشود آرزومندش از آستانش به آستان تو فرود آید بارهای امیدواران و به میدان تو می ایستد امیدهای عطا جویان پس روبرو مگردان آرزوهای ما را به نومیدی و یأس و میپوشان بر ما لباس ناامیدی و یأس را.

اطاعت بهترین سپاس:

در جلسه گذشته به شرح بخشی از مناجات شریف شاکرین پرداختیم. در رابطه با شکر توضیحاتی داده شد. همچنین بیان نمودیم که از مجموع آیات قرآن مجید استفاده می شود که تنها عده خاص و محدودی از بندگان خداوند قادر هستند شکر و سپاس خداوند متان را به جای آورند. به این نکته مهم نیز اشاره نمودیم که نخستین گام برای شکر و سپاس خداوند، شناخت نعمتهایی می باشد که خداوند به بندگان ارزانی داشته است و در سایه و پرتوی شناخت نعمت، شناخت منعم و محبت به او حاصل می گردد. انسان هنگامی که نعمت را شناخت و دریافت که سر چشمه و منشأ نعمتها در دست ذات ذوالجلال ربوبی است دوست دار و محب منعم حقیقی می شود. آنگاه به او عشق می ورزد و در برابرش نافرمانی و عصیان نمی کند. چنین انسانی پاسخ نیکی را با نیکی و احسان می دهد و سعی می کند مرتکب گناه و معصیت نشود. او نزد خود چنین می پندارد که:

﴿ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ﴾^(۱).

آیا جزای نیکی جز نیکی است!؟

این آیه شریفه ناظر به همین جهت است؛ یعنی پاسخ خوبی را باید با نیکی داد. بنابر این شایسته است پاسخ ما در برابر نعمتهای بی شمار خداوند متعال، اطاعت و بندگی باشد، نه معصیت و نافرمانی.

لزوم شکر منعم و پاسخ شایسته و مناسب به نعمتهای او به حکم عقل امری بدیهی و فطری می‌باشد؛ این مطلب نه تنها در شکر بلکه در تمامی افعال جریان دارد؛ یعنی هر فعلی پاسخی مناسب و همانند را می‌طلبد. خداوند متعال در چند آیه از قرآن مجید به این مطلب تصریح فرموده است.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ﴾^(۲).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گامهایتان را استوار می‌دارد.

﴿ فَادْكُرُونِي أذكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ ﴾^(۳).

پس به یاد من باشید، تا به یاد شما باشم و شکر مرا گوئید و در برابر نعمتهایم کفران نکنید.

خداوند سبحان به رسول الله ﷺ می‌فرماید:

« ما جزاء من أنعمت عليه بالتوحيد إلا الجنة »^(۴).

پاداش کسی که به او نعمت توحید [موحد بودن] ارزانی داشته‌ام جز بهشت نیست.

۱- سوره الرحمن، آیه ۶۰.

۲- سوره محمد ﷺ، آیه ۷.

۳- سوره بقره، آیه ۱۵۲.

۴- الجواهر السنیه، صفحه ۱۳۹.

نکته مهمی که می‌توان از فرازهای نخست مناجات شاکرین آموخت این است که شناخت نعمت، اولین گام برای دسترسی به مقام شکر است. لازمه این مقام، محبت و عشق به منعم است. همان‌گونه که رسول الله ﷺ می‌فرمایند:

« جيلت القلوب على حب من أحسن إليها »^(۱).

طبیعت قلب به گونه‌ای است که نیکی‌کننده (به خود) را دوست می‌دارد. تمامی انسانها بر اساس فطرت خداجو خلق شده‌اند و از لوازم این فطرت خداجو این است که منعم و ولی نعمت خویش را می‌ستاید و دوست می‌دارد. هر چند در بسیاری از موارد مصداق منعم را گم می‌کند بنابر این طبیعت و ساختار وجودی انسانی که بر فطرت سلیم باقی مانده باشد به گونه‌ای است که از دستوره‌های محبوب خود سرپیچی نمی‌نماید و اگر بفهمد که محبوب و معشوق او از فعلی متنفّر و بیزار است آن را مرتکب نمی‌شود و همیشه با اطاعت کردن و گردن نهادن به اوامر او در صدد جلب نظر و خشنودی او می‌باشد.

نعمات الهی جاری و دائم:

با مقدماتی که تا به حال بیان نمودیم به فرازهای اولیه مناجات توجه می‌کنیم.

۱- تحف العقول، صفحه ۳۷.

«إلهي أذهلني عن إقامة شكرك تتابع طولك» .

بارالها! پی در پی بودن بخششت، مرا از شکرگزاری غافل کرده است. (ذهل) در لغت به معنای سرگرمی و کاری است که موجب نگرانی، اندوه و فراموشی می‌شود^(۱). انسان هنگامی که مشغول و سرگرم به کاری باشد از امور دیگر خود غافل می‌شود. اما اگر این فراموشی و غفلت همراه با حزن و غصه باشد به آن «ذهل» می‌گویند.

خداوند متعال هنگامی که صحنهٔ قیامت را به تصویر می‌کشد می‌فرماید:

﴿يَوْمَ تَرُؤْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ﴾^(۲).

روزی که آن را می‌بیند (آن چنان وحشت سرا پای همه را فرا می‌گیرد که) هر

مادر شیر دهی، کودک شیرخوارش را فراموش می‌کند.

گرفتاری‌های قیامت آن قدر فراوان است که مادر شیرده، طفل شیر

خوارش را فراموش می‌کند.

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: خداوندا! پی در پی و متوالی بودن نعمتها و

منتتهای خاص تو نسبت به ما آن قدر فراوان است که ما فراموش کردیم که

باید شاکر این نعمتها باشیم. ما از این غفلت خود بسیار ناراحت و غمگین

هستیم چرا، قادر نیستیم، حتی شکر یکی از نعمتهای بی شمارت را ادا کنیم.

ما در هر لحظه باید بی نهایت خداوند متعال را شکر گوئیم. به عنوان نمونه،

هر نفسی که می‌کشیم باید شکری به جای آوریم.

۱- مفردات غریب القرآن، صفحهٔ ۱۸۲.

۲- سورهٔ حج، آیه ۲.

در این زمینه امام صادق علیه السلام می فرمایند:

« فی کلّ نفس من أنفاسك شکر لازم لك بل ألف أو أكثر »^(۱).

بر هر نفسی شکر لازم است، بلکه هزار و بیشتر از آن نیاز است.

سعدی نیز با استفاده از متون دینی است که می گوید: منتّ خدای را عزّوجلّ که طاعتش موجب قربتست و به شکر اندرش مزید نعمت، هر نفسی که فرو می رود ممدّ حیاتست و چون بر می آید مفرّح ذات، پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکر واجب.

از دست و زبان که بر آید کز عهده شکرش به در آید^(۲)

و در جای دیگر می گوید:

نفس می نیارم زد از شکر دوست که شکر ندانم که در خورد اوست
عطائست هر موی از و بر تنم چگونه به هر موی شکر کنم؟^(۳)

ناتوانی شمارش نعمات:

« وأعجزني عن إحصاءِ ثنائك فيض فضلك ».

پروردگارا! نعمتهای پی در پی و همیشه جاری تو مرا از شمارش ناتوان ساخته است.

در زبان فارسی (عجز) به معنای ناتوانی و عدم قدرت است، امّا در

۱- مصباح الشریعة، صفحه ۲۴.

۲- مقدمه گلستان سعدی.

۳- بوستان سعدی باب هشتم.

لغت عرب به معنای عقب افتادن و تأخیر در کار یا امری می‌باشد^(۱).

(ثنا) در لغت به معنای سخنانی است که در مورد خوبی‌های مردم به زبان جاری می‌شود^(۲). و ثناء الهی، کلامی است که پس از دیدن و مشاهده جمال و جلال الهی به زبان می‌آوریم. مثلاً هنگامی که منظره و چشم انداز زیبایی می‌بینیم، بی اختیار زبان به مدح و ثناء می‌گشاییم. انسانی که دارای چشم بصیرت باشد و قادر به درک زیباییهای خداوند باید حمد و ثناء الهی را به زبان آورد. اما با توجه به تعبیر امام سجاد علیه السلام چون نعمتها و زیباییهای الهی همیشه جاری و دائم است، ما قادر به درک آن نیستیم؛ زیرا چشم ما همیشه به دیدن زیباییها روشن بوده است. هنگامی می‌توانیم زیبایی منظره‌ای را درک کنیم، که در برابر آن منظره‌ای زشت و کریه دیده باشیم. اگر همیشه مناظر زیبا و چشم اندازه‌های دلربا در برابر دیدگانمان قرار داشته باشد، دیگر قادر به درک و تشخیص زیباییها نخواهیم بود^(۳). از همین جا لطف وجود بلایا و مصایب برای ما کاملاً روشن می‌شود؛ زیرا بدون وجود بلایا (مصائب) شناختن راحتی و نعمت میسر نیست.

از دیدگاه بندگان صالح خدا هر چه از او (سبحانه و تعالی) می‌بینیم زیبا است؛ همان‌طور که حضرت زینب علیها السلام در پاسخ به طعنه ابن زیاد (لعنة الله علیه)، فرمودند:

۱- مفردات غریب القرآن، صفحه ۳۲۲.

۲- مفردات غریب القرآن، صفحه ۸۲.

۳- علماء علم منطق به این گونه مفاهیم که شناختن آنها جز با شناختن ضد آنها ممکن نیست «متضادین» می‌گویند.

« ما رأيت إلا جميلاً »^(۱) .

به جز زیبایی چیز دیگری ندیدم .

« وشغلني عن ذكر محامدك ترادف عوائدك » .

گوناگونی احسان تو مرا از ذکر ، حمد و ستایش تو باز داشته است .

(عائدة) در لغت به معنای فائده و احسان است^(۲) .

امام سجاد عليه السلام در این فراز از مناجات توجّه شاگردانشان را به این مطلب جلب می‌کنند که نعمات الهی نسبت به بندگان ، همیشه و لا ینقطع می‌باشد و ما قادر نیستیم حمد و سپاس یکی از بی نهایت را هم به جای آوریم ؛ اگر دوستی به ما خدمتی کرد ما از او تشکر می‌کنیم ولی اگر کسی هر لحظه و هر آن به ما لطف و احسان کند نه تنها نمی‌توانیم به نیکی‌های او پاسخ دهیم و آنها را جبران نماییم بلکه نمی‌توانیم به صورت زبانی و گفتاری نیز از او تشکر نماییم . حتی ممکن است خدای نا کرده حالت طلبکاری در ما ایجاد شود و توقّعی نابجا و بی مورد در ما بر انگیزته شود که باید و حتماً آن شخص به ما لطف و احسان نماید و اگر لحظه‌ای در توالی نعمتها خللی ایجاد شود صدای جزع‌ها بلند می‌شود که از ناحیه منعم کوتاهی صورت گرفته و او به وظیفه خود عمل ننموده است ! در فرازهایی از دعای شریف افتتاح می‌توان اشاره اهل بیت عليهم السلام را به این نوع رفتار بندگان مشاهده کرد آنجا که می‌فرماید :

۱- لواعج الاشجان ، صفحه ۲۰۹ .

۲- مجمع البحرين ، جلد ۳ صفحه ۲۷۳ .

« اللهم إن عفوك عن ذنبي وتجاوزك عن خطيئتي ... أطمعني في أن أسألك ما لا أستوجبه ومنك ... فإن أبطأ عني عتبتك بجهلي » .
خداوندا! بخشش تو بر گناهانم وگذشت تو از خطاهایم ... مرا به طمع انداخت که از تو چیزی بخواهم که استحقاق آن را ندارم ... و اگر قدری دیر [نعمتها] به من برسد از روی جهالت تو را مورد عتاب قرار می‌دهم .
« وأعياني عن نشر عوارفك توالي أياديك » .

(أعياني) در لغت به معنای ناتوانی و درمانده شدن است و یا ناتوانی در سخن گفتن و ادارهٔ امور^(۱) .

امام سجاد عليه السلام در این فراز از دعا می‌فرماید: بارالها! آن قدر نعمتهایت افزون و پی در پی است که زبان ما قاصر و ناتوان از بیان آنهاست .

اعتراف به کوتاهی:

« وهذا مقام من اعترف بسبوغ النعماء وقابلها بالتقصير » .
امام عليه السلام پس از بیان عجز از شکر خداوند در این فراز از نیایش به تقصیر و کوتاهی خود اعتراف می‌کنند .
(سبوغ) در لغت به معنای تمامیت و گستردگی است^(۲) .
خداوندا! نعمتهای تو کامل ، تمام و گسترده است و هر چه کوتاهی و کمی وجود دارد از جانب ما می‌باشد .

۱- مفردات غریب القرآن ، صفحه ۳۵۶ .

۲- مفردات غریب القرآن ، صفحه ۲۲۲ .

عذر تقصیر آوردن، خود یک نوع شکر می‌باشد. خدایا! نمی‌توانیم شکر خوبیها و نعمات را به جای آوریم، نعمات تو اندک و ناقص نیست بلکه کامل و تام است، اما ما در مقابل شکر نعمتهایت کوتاهی و تقصیر داریم. اگر اندکی به ظاهر جملات دقت نماییم، از این همه زیبایی و بلاغت شگفت زده خواهیم شد، کدام ادیب و سخنوری می‌تواند به این زیبایی، بلاغت و فصاحت سخن بگوید؟ و در برابر ذات ذوالجلال ربوبی سر تعظیم فرو آورد، و به سستی و کوتاهی خود اعتراف نماید؟ آری، نیایش و سخن گفتن با خداوند متعال را نیز باید در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام آموخت و از آنان فرا گرفت.

«وشهد علی نفسه بالإهمال والتضييع وأنت الرؤوف الرحيم البرّ الكريم».

خدایا! این جایگاه انسان مقصّری است که اعتراف به ضایع نمودن و معطل کردن نعمتها می‌کند، اما تو دارای صفات پسندیده هستی. خداوند متعال، در هر مقامی به نوعی خاصّ به ما لطف و عنایت دارد. خداوند در مقام رئوفیّت به نوعی به ما نیکی می‌کند و در مقام رحیمیّت به روشی دیگر، الطاف و عنایات پروردگار در مقام برّ و کرم نیز متفاوت است.

بارگاه الهی، امید آرزومندان:

«الذی لا یخیب قاصدیه».

خداوندا! کسانی که تو را طلب نموده‌اند و به سوی تو در حرکت اند را نا امید نمی‌کنی.

(تخیب) در لغت معنای به مطلوب نرسیدن و از دست دادن آن را دارد^(۱).

خداوند متّان مطالبات و خواسته‌های انسان را از بین نمی‌برد و به آنها پاسخ می‌دهد. ما انسانها هر مقدار هم که برای یکدیگر احترام قائل باشیم امّا ممکن است به خواهش‌های یکدیگر پاسخ منفی بدهیم امّا خداوند سبحان هیچگاه با بندگان خود اینگونه رفتار نمی‌کند و آنان را دست خالی از درب خانه خود بر نمی‌گرداند.

« لا یطرّد عن فنائه آملیه ».

خداوند سبحان آرزومندان را از درب خانه خود نمی‌راند و آرزومندان نیز می‌دانند به درب خانه و به ساحت و محضر کسی آمده‌اند که آنان را نومید و مأیوس نمی‌کند.

« بساحتک تحطّ رجال الرّاجین ».

(حطّ) در لغت به معنای فرود آوردن بار می‌باشد^(۲).

در آستان و خانه تو امیدواران بارهای امید خود را فرود می‌آورند، و در آن جا رحل اقامت می‌افکنند، چرا که می‌دانند در این خانه است که گره مشکلاتشان باز می‌گردد.

« وبعرصتک تقف آمال المستردفین ».

کسانی که خواهان الطاف و عنایات ویژه تو هستند به درگاه تو روی

۱- مفردات غریب القرآن، صفحه ۱۲۲.

۲- مفردات غریب القرآن، صفحه ۱۶۰.

می آورند. نیازمندان، درب خانه تو را می کوبند؛ چرا که می دانند، این دربی است که به روی همگان باز است. کسی تا به حال نومید و تهی دست از این خانه باز نگشته است.

« فَلَاقِبَالِ آمَالِنَا بِالتَّخِييبِ وَالْإِيَّاسِ ».

خداوندا! آرزوها و آمال ما را بی پاسخ مگذار و ما را نومید و مأیوس نفرما و خواهشها و دعاهاى ما را مستجاب بگردان.

« وَلَا تَلْبِسْنَا سِرْبَالَ الْقَنُوطِ وَالْإِذْلَاسِ ».

بارالها! لباس و پیراهن یأس، سر افکنندگی و حزن را بر تن ما مپوشان. اندوه و حزن از جهات مختلفی به انسان هجوم می آورد. یکی از آن جهات، ترس می باشد. همان طور که خداوند متعال در رابطه با روز قیامت می فرماید:

﴿ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ ﴾^(۱).

آن روز که قیامت برپا می شود، مجرمان در نومیدی و غم و اندوه فرو می روند.

و در آیه ای دیگر می فرماید:

﴿ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ ﴾^(۲).

تا کاملاً خوشحال شدند و دل به آن بستند، ناگهان آنها را گرفتیم و سخت مجازات کردیم در این هنگام همگی مأیوس شدند، و درهای امید به روی آنها بسته شد.

۱- سوره روم، آیه ۱۲.

۲- سوره انعام، آیه ۴۴.

هنگامی که وحشت و حزن فراگیر می‌شود، انسان به گوشه‌ای پناه می‌برد.

خداوندا! ما نمی‌توانیم شکر نعمتهایت را به جای آوریم. به این ناتوانی و کوتاهی نیز معترف هستیم. امّا به رحمت بی‌کران تو امید بسته‌ایم.

نکات اساسی مناجات:

دو نکتهٔ اساسی تا بدین جا از مناجات آموختیم؛ نخست اینکه شکر نعمت، وجوب عقلی دارد و انسان باید ولی نعمت خود را سپاس گوید. این وجوب، امری بدیهی و فطری می‌باشد. ولی برای شکر نعمت، باید به نعمت‌ها شناخت و معرفت داشته باشیم. توالی و پی در پی بودن نعمتها نباید ما را از اصل و اساس غافل کند. در ضمن همین بحث دریافتیم که درک و معرفتِ نعمت، ما را به سوی محبّت منعم می‌کشاند و در دل نسبت به کسی که این همه به ما لطف و عنایت نموده است ارادت و محبّت پیدا خواهیم کرد. به طور طبیعی هنگامی که محبّت ایجاد شود، دیگر عملی بر خلاف رضای محبوب از فرد صادر نمی‌شود. محبّت راه عصیان، معصیت و سر پیچی را خواهد گرفت.

در روایتی از امام سجاد علیه السلام منقول است که خداوند متعال به حضرت موسی علیه السلام فرمود:

« حَبِّبِي إِلَى خَلْقِي وَ حَبِّبْ خَلْقِي إِلَيَّ »:

مرا نزد بندگانم محبوب و بندگانم را نیز نزد من محبوب کن.

حضرت موسیٰ علیه السلام عرض کرد: چگونه؟ خداوند متعال در پاسخ

فرمود:

« ذکرهم آلائی و نعمائی لیحبّونی »^(۱).

نعمتهای مرا به آنان یادآوری نما تا مرا دوست بدارند.

بر اساس این روایت حضرت موسیٰ علیه السلام با یادآوری نعمتهای الهی به دو نتیجه دست می‌یابد؛ از یک طرف محبت خداوند سبحان را در دل بندگان جای می‌دهد و از طرف دیگر باعث می‌شود که بندگان از اوامر و نواهی الهی سرپیچی نکنند.

نکته دوم اینکه یکی از راههای شکر، نشر آن می‌باشد. خداوند سبحان

در این باره می‌فرماید:

﴿ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ﴾^(۲).

و نعمتهای پروردگارت را بازگو کن.

امام سجاد علیه السلام از نعمت به « عارفه » تعبیر نموده‌اند؛ یعنی نعمت

امری است که باید شناخته بشود. و شناخت و معرفت با طیبی منازل و تأمل به دست می‌آید.

یادی از حضرت امام صادق علیه السلام:

در ایام شهادت امام صادق علیه السلام قرار داریم. باید اذعان و اعتراف

۱- مستدرک وسایل الشیعة، جلد ۱۲ صفحه ۲۴۰.

۲- سوره ضحی، آیه ۱۱.

نماییم که در شناخت ائمه اطهار علیهم السلام و به خصوص این امام همام علیه السلام قصور و تقصیر داریم. ممکن نیست کتابی روایی را ورق بزنییم و لا اقل یک روایت از آن حضرت را در آن نیابیم. ایشان علیه السلام بحر ذخار^(۱) و دریای مواجی بودند که در همه علوم متداول آن زمان مطالب مهمی بیان نمودند و شاگردان فراوانی پرورش دادند، چهارهزار نفر از شاگردانشان، که هر کدام در رشته‌ای علمی کار آمد و سر آمد بودند، در تشییع جنازه امام خود شرکت نمودند و بر مظلومیّت، فقدان و فراق فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله اشک ریختند.

کمیت و کیفیت شاگردان امام صادق علیه السلام به گونه‌ای بود که محضر ایشان تبدیل به یک دانشگاه بزرگ گردید، و شاگردانی برجسته در رشته‌های گوناگون علمی در آن دانشگاه تربیت یافتند.

جایگاه ائمه اطهار علیهم السلام در بیان حضرت امام صادق علیه السلام:

حضرت امام صادق علیه السلام در دو برخورد جداگانه به تبیین جایگاه ائمه اطهار علیهم السلام می‌پردازند.

سالم ابن حفصه^(۲) می‌گوید پس از فوت امام باقر علیه السلام برای عرض تسلیت خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم:

«أنا لله وأنا إليه راجعون، ذهب والله من كان يقول قال رسول

۱- پرذخیره.

۲- امام صادق علیه السلام او را لعن، تکذیب و تکفیر فرموده است وی در سال ۱۳۷ فوت نمود. (تحفة الاحباب، صفحه ۱۷۴)

الله ﷺ فلا يسأل عمن بينه وبين رسول الله ﷺ لا والله لا يري
مثله أبداً؛

همه از خداییم و به سوی او باز می گردیم، به خدا سوگند کسی از میان ما
رخت بر بست که از قول رسول الله ﷺ سخن می فرمود، و هیچ کس
نمی پرسید که این سخن را با چه وسایطی از رسول الله ﷺ نقل
می نمایی؟ به خدا سوگند دیگر همانند او نخواهیم داشت.

ابن حفصه می گوید: پس از اتمام سختم، امام صادق عليه السلام کمی صبر
نمودند و سپس فرمودند:

« قال الله عز وجل إنّ من يتصدق بشق تمره فاربيتها له كما يربّي
أحدكم فلوّه، حتى أجعلها له مثل أحد »^(۱).

خداوند عزوجل می فرماید: هر کس صدقه ای بدهد هر چند که نیمی از خرما
باشد، من صدقه او را همچنان که شما گوسفندان خود را پرورش می دهید،
پرورش می دهم و آن را همانند کوه احد بزرگ می کنم.

سالم می گوید نزد دوستانم رفتم و به آنان گفتم: « ما فکر می کردیم
امام باقر عليه السلام بدون واسطه از رسول الله ﷺ سخن نقل می نمایند، اما امروز
امام صادق عليه السلام بدون واسطه از خداوند متعال سخنی نقل نمودند»، در واقع
امام صادق عليه السلام می خواستند منزلت و عظمت ائمه عليهم السلام را به سالم گوشزد نمایند.
و در روایتی دیگر هنگامی که شخصی از غلات خدمت امام صادق عليه السلام
شرفیاب می شود، امام عليه السلام به او می فرماید: « مقداری آب برای من بیاورید

۱- بحار الانوار، جلد ۴۷ صفحه ۲۷.

می خواهیم وضو بگیریم [و نماز بخوانم]»، امام علیه السلام می خواهند با این عمل به این شخصی غالی بیاموزند ما بندگان خداوند هستیم و او را عبادت می کنیم، سپس فرمودند:

« لا تحمل علی البناء فوق ما یطیق فیهدم، إنا عبید مخلوقون »^(۱).
بر ساختمان باری بیش از توانش قرار نده که ویران می شود. به درستی که ما بندگان و مخلوق خداوندیم.
ائمہ علیہم السلام بارها فرموده اند که:

« لا تتجاوزوا بنا العبودیة ثم قولوا فینا ما شئتم »^(۲).
ما را عبادت نکنید [ما را خدا نپندارید] و هر چه خواستید در حق ما بگویید.

« والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته »

۱- الخرائج والجرائح، جلد ۲ صفحه ۶۳۷.

۲- احتجاج، جلد ۲ صفحه ۲۳۳.

امام سجاده علیه السلام در این فراز از مناجات توجّه
شاگردانشان را به این مطلب جلب می‌کنند که نعمات الهی
نسبت به بندگان، همیشه و لا ینقطع می‌باشد و ما قاصر
نیستیم حمد و سپاس یکی از بی‌نهایت را هم به جای آوریم؛
اگر دوستی به ما خدمتی کرد ما از او تشکر می‌کنیم ولی اگر
کسی هر لحظه و هر آن به ما لطف و احسان کند نه تنها
نمی‌توانیم به نیکی‌های او پاسخ دهیم و آنها را جبران نماییم
بلکه نمی‌توانیم به صورت زبانی و گفتاری نیز از او تشکر
نماییم. (صفحه ۱۰ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات:

چهارراه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۲۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ - نمابر ۷۷۴۳۹۱۹